

در بزرگداشت «روز بنیاد»

هممیهنان، همزمان،

در آستانه‌ی فروریزی نظم استعمارساخته‌ی ره‌آورد و جنگ‌جهانگیر، که خود زاییده‌ی شناخت و به‌کارگیری قانونمندی‌های زندگی اجتماع‌های بشری می‌باشد و اوج‌گیری خیزش‌های سلطه‌ستیزانه‌ی ملت‌ها را در برداشته است، دگرباره «روز بنیاد» فرامی‌رسد.

در بحبوحه‌ی کشمکش امپریالیست‌های جهان‌خوار با یکدیگر، که همه‌ی بخش‌های ایران کنونی نیز به اشغال ارتش‌های بیگانه درآمده بود، شماری جوان خودساخته با اندریافت نیاز ملّی، نخست، در انجمنی نهانی گرد آمدند و سپس، در شامگاه پانزدهم شهریور یک‌هزار و سیصد و بیست و شش، سازمانی را شالوده‌ریزی کردند و اندکی بعد به آن نام «مکتب» دادند.

چنین کار پرارجی در هنگامی انجام شد که زنان و مردان این سرزمین به پیشوایی مصدق بزرگ جنبش رهایی‌بخش ملّی را پویاتر ساختند و خیلی زود به «استعمار پیوندگرفته با استبداد و ارتجاع» زخم‌های کاری زدند و به مردم‌سالاری رسیدند.

در این فرصت گران‌بها، بیشتر پرورش‌یافتگان «مکتب» و سازمان‌های برخاسته از آن با چیرگی بر نفاق‌های درونی به راستای بازگشت به خویش‌تن خویش افتادند و، در یکم آبان‌ماه سال یک‌هزار و سیصد و سی، حزب ملت ایران را پی‌افکنند.

از آن پس، این حزب آرمان‌خواه به پیروی از جهان‌بینی ملت‌گرایانه به ستیزی بی‌وقفه با همه‌ی نیروهای اهریمنی پرداخت و همواره تنها به مردم تکیه داشت؛ و در همین روند بود که، برای برقراری نظم نو و برآوردن خواست‌های تاریخی ایرانیان، از پیشگامان خیزش‌های انقلاب‌آفرین گردید.

با پیروزی انقلاب، حزب ملت ایران امید داشت که در نظم نو، با رسیدن به استقلال ملّی و آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی، میهن آبادی و مردم‌به‌روزی یابند؛ ولی با دریغ چنین نشد.

در پی درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب، بساط یک‌ه‌تازی دگرباره در این سرزمین گسترده شد، آرزوهای بزرگ دستخوش هوس‌های کوچک گردید، و ضرورت سازندگی در بوت‌هی فراموشی افتاد و ایران به واپس‌ماندگی بیشتری دچار آمد.

اکنون، در حالی که عصر تازه‌ای در جهان آغاز شده و، پس از سالیان دراز به کارگیری نگرش‌های زاییده‌ی گمان‌پروری، که همه به شکست انجامیده است، ملت‌ها با کارسازی سرشت و آینده‌ی خود در اینجا و آنجا برای آزادی، بهزیستی، و پویایی فرهنگی به‌پاخاسته‌اند، مردم ایران در ورطه‌ای هولناک قرار گرفته و سیه‌روزگار شده‌اند. در ایران کنونی، «با نادیده گرفتن حیثیت ذاتی بشر و از میان بردن آزادی‌های فردی و اجتماعی، عرصه‌ی گفتن و نوشتن و گردهمایی به‌سختی تنگ گردیده و امتیازهای قانونی حزب‌ها و نشریه‌های پیشینه‌دار یا نوپا سلب گشته» و دگراندیشی به‌مانند زمینه‌ساز هر پیش‌روندگی ملّی در حصار واپس‌گرایی افتاده است.

در این میان، انحصار، احتکار، رباخواری، و دلال‌بازی، پدیده‌های زشت سوداگری مهارگسیخته، هر گونه تلاش

اقتصادی را از رونق بازداشته و گرانی سرسام‌آور بحران‌زا شده و فقر، گرسنگی، بی‌سرنواهی، بیکاری، و نارسایی آموزش و پرورش در سطح‌های گوناگون، آن هم در کشوری که با «فزاینده‌گی جمعیت» روبه‌روست، زندگی ملی را به فروپاشی تهدید می‌کند.

چنین است که حزب ما با پیشینه‌ی چهل‌وسه سال کوشش خستگی‌ناپذیر برای زنده‌داشت «حاکمیت ملی» کوچک‌ترین تردیدی در انجام وظیفه‌ی سنگین برعهده‌گرفته‌درپیشگاه‌مردم‌ایران ندارد و همچنان بر سر پیمان ایستاده است.

بررسی رویدادهای پس از پیروزی انقلاب به‌خوبی روشن می‌کند که به هدف‌های بنیادین آن جز با برقراری مردم‌سالاری نمی‌توان رسید و شکست برنامه‌های پیش‌کشیده‌شده در سال گذشته نیز نشان از درستی این برداشت دارد.

از این رو، حزب ما در خجسته‌روز بنیاد سر از نو همه‌ی زنان و مردان این سرزمین، همه‌ی سازمان‌های سیاسی ایستاده‌به‌خود و ناسازوار با روند یکه‌تازی، همه‌ی گروه‌های اجتماعی، کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران، کارمندان، آموزشگران، بازرگانان، و همه‌ی جوانان، به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان، را به کارآوری در راستای بازسازی اسطوره‌ی «همبستگی همگانی» برای برپایی مردم‌سالاری در کشور فرامی‌خواند. باشد که در پرتو آن ایران‌زمین یکپارچگی را بازیابد و جاودانه آزاد و آباد گردد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران